

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره نهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۷۰-۱۸۵

## نقد و بررسی روایات جمع و تدوین قرآن کریم در زمان خلفا

فاطمه اکبری درجه<sup>۱</sup>

ملیحه حمیدی<sup>۲</sup>

چکیده

مسأله جمع و تدوین قرآن کریم، از مسائل مهم علوم قرآنی است که در طول تاریخ، محققان علوم قرآن و حتی در قرن معاصر، مسشرقین را به تکاپو وادار نموده است. با استناد به روایات جمع و تدوین قرآن در زمان خلفا می توان تعارض موجود در آن را کشف و با معیارهای قرآن، سنت، تاریخ، اضطراب و اجماع آن را اثبات کرد. بر اساس تمامی معیارها می توان نتیجه گرفت که جمع قرآن در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) صورت گرفته است و روایاتی که خلاف آن را بیان می کنند، مردود و مخدوش هستند.

کلیدواژه‌ها: جمع قرآن، روایت، سنت، تاریخ، دوران خلفا.

۱. طلبه سطح چهار (دکتری)، رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حضرت فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) اصفهان، استان اصفهان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی، fakbaryy@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد، رشته نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری؛ سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، حوزه علمیه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، تهران، پژوهشگر و استادیار حوزه علمیه حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، تهران، استان تهران، ایران، mkh\_amir@yahoo.com

هر مسلمانی علاقه‌مند است که با تاریخ کتاب دینی خود آشنا شود؛ زیرا قرآن کریم، معتبرترین منبع اسلامی و از جنبه‌های گوناگون، کتابی بی‌همتا است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» (بقره/۲) «این آن کتابی است که شک در آن راه ندارد». مرحوم طبرسی در تفسر آیه چنین نگاشته است: «در آن، بدگمانی و شک ندارد و حتی چیزی که سبب شک و بدگمانی شده، در این کتاب وجود ندارد». (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۵۸).

با این وجود برای مسلمانان دانستن اینکه قرآنی که اکنون بدون هیچ تغییری در دست ما قرار دارد، چه فراز و نشیبی را پیموده است جالب است. یکی از دقیق‌ترین مباحث علوم قرآنی، بررسی تاریخ تدوین قرآن کریم است. تاریخ، به روشنی گواهی می‌دهد که وحی از اهمیت خاص میان مسلمانان برخوردار بوده؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ در زمینه حفظ و کتابت قرآن همه توان و امکانات خویش را به کار گرفته‌اند. علیرغم این، مسأله جمع قرآن، از مسائل مهمی است که همیشه مورد نزاع اندیشمندان فرق مختلف اسلامی بوده است و علاوه بر اهمیت خود موضوع، از آن رو که فضیلت جمع قرآن را به خلیفه‌ای خاص نسبت دهند، در باره آن بحث کرده‌اند. اما دانشمندان غربی انگیزه‌های دیگری برای تحقیق در این مسأله داشته‌اند و در مطالعات قرآنی خود، همواره به دنبال مقایسه قرآن کریم با کتاب‌های مقدس بوده‌اند و سعی کرده‌اند خاستگاهی یهودی برای قرآن و مفاهیم آن اثبات کنند. از سوی دیگر، مشاهده می‌شود که مناقشات مربوط به تاریخ تدوین متن عهدین را به تاریخ تدوین قرآن نسبت داده‌اند تا بنیان اصیل‌ترین اعتقاد مسلمانان را - که همان مصونیت و عدم تحریف قرآن کریم است - زیر سؤال ببرند.

جمع قرآن کریم به عنوان یکی از مباحث علوم قرآن از قرون پیشین مورد توجه بوده و آثار زیادی در این باره نگاشته شده است از جمله: *حقائق حامه الحول القرآن الکریم*، از سید جعفر مرتضی عاملی؛ بخشی از کتاب به مسأله جمع قرآن پرداخته است و دیدگاه‌های و نظریات مختلف را در این باره بیان نموده است. همچنین کاوشی در تاریخ جمع قرآن، از سید محمدعلی ایازی؛ در بخشی از این کتاب به دلایل جمع قرآن در زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر پایه سنت پرداخته، اما نقدی بر مسأله روایات جمع و تدوین قرآن در زمان خلفا، انجام ندادند. تاریخ جمع قرآن کریم به قلم محمد رضا نائینی؛ که به شرح و بیان این مسئله از نظرگاه تاریخی پرداخته، بدون اینکه نقدی بیان کند. حسن رضایی هفتادار، در مقاله *تحلیل و نقد آرای جان برتن درباره تدوین قرآن*، به نقل، تحلیل و نقد آرای جان برتن در مورد جمع آوری و تدوین قرآن پرداخته است. مقاله دیگر به نام *خاورشناسان و رویکردهای نوین در جمع قرآن*، به قلم فروغ پارسا؛ که به تبیین روش‌های جدید پژوهشی ابداع شده توسط یونیل<sup>۱</sup> و موتسکی<sup>۲</sup> در موضوع جمع قرآن، پرداخته است.

یکی از موضوعات مهم و در عین حال بحث‌انگیز و جنجالی در عرصه علوم قرآن، چگونگی گردآوری و تألیف این کتاب آسمانی و کلام الهی است. این بحث، چنان با اهمیت و سرنوشت ساز تلقی شده که کمتر قرآن‌پژوهی، بخشی از کتاب علوم قرآنی خود را به آن اختصاص نداده، فصلی در این باب نگشوده، یا تألیفی مستقل با عنوان جمع قرآن به نگارش در نیاورده باشد.

چگونگی سیر تدوین، گردآوری و ترتیب آیه‌ها و سوره‌های قرآن در عهد نبوی و پس از آن، از جمله مسائل مهم تاریخ قرآن است. در میان اخبار و آثار به دست آمده، چند گونگی به چشم می‌خورد آن چنان که هر دسته و گروهی، مسأله جمع قرآن را به گونه‌ای بیان و تحلیل می‌کند. به همین دلیل، در طی اعصار و در جریان تحول و رشد علوم قرآن، نظریات مختلفی در این باب پدید آمده و از روایات و گزارش‌ها، تفسیرهای مختلفی در زمینه ترتیب و تألیف قرآن، ارائه شده است.

گروهی از علما و محققان علوم قرآنی بر این باورند که گردآوری و تألیف و ترتیب قرآن در حیات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انجام گرفته و خود حضرت، تمام خصوصیات آیات یک سوره و نیز جایگاه سوره‌ها را تعیین فرموده است. گروهی نیز در برابر این اندیشه و بر اساس برخی روایات، تدوین و تألیف و ترتیب سوره‌ها را به دوران پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، یعنی زمان حاکمیت خلفا نسبت داده‌اند.

با توجه به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر به بررسی روایت‌های جمع و تدوین قرآن کریم توسط خلفا، که منشأ شک و شبهه در این وادی از علوم قرآنی شده، پرداخته است. باید توجه داشت که اگر بخشی از هر یک از روایت‌ها، با استفاده از قراین و شواهد متزلزل گردد، برای مردود دانستن آن کافی است.

تفاوت این گفتار با پژوهش‌های انجام شده، این است که تلاش شده است روایت‌های جمع قرآن در زمان خلفا بررسی شود و به نقد سندی این روایات بر اساس نظرات اهل سنت پرداخته و سپس با دسته بندی شواهد و قرائن محتوایی - که دلالت بر نظم و ترتیب و نگارش قرآن در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دارند - پایه‌های روایت‌های جمع قرآن در زمان خلفا را - که بین اهل سنت مشهور است - متزلزل نماید. این شواهد بر اساس منابع اهل سنت استخراج شده، تا تعارض موجود در منابع مشهور آنها مشخص شود.

#### ۱. روایت‌های جمع قرآن در زمان خلفا

روایات جمع و تدوین قرآن کریم در زمان خلیفه اول و دوم از کتب اهل سنت بسیار است که مهم‌ترین این روایت‌ها عبارتند از:

۱-۱. هشام از پدرش عروة بن زبیر نقل کرده است که او گفت: «همانا ابوبکر کسی بود که قرآن پس از رحلت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جمع نمود». (عسقلانی، ۱: ۱۴۱۵، ۶۷۱)

۱-۲. عروة بن زبیر گفت: «زمانی که قراء در جنگ یمامه کشته شدند، ابوبکر ترسید قرآن از بین برود؛ به همین جهت تیمی را برای جمع قرآن تشکیل داد و به عمرو زید دستور داد که بر در مسجد بنشینند و از هیچ کس چیزی از قرآن نپذیرند، مگر اینکه دو نفر مرد بدان شهادت دهند، در آن صورت بنویسند». (عسقلانی، بی تا، ۹: ۱۲)

۱-۳. زید بن ثابت گفت: «ابوبکر هنگام جنگ یمامه مرا فراخواند، دیدم عمر بن خطاب هم نزد او است، پس ابوبکر گفت: عمر به نزد آمد و گفت: کشتار قراء قرآن شدت یافته و من می ترسم که کشتار قاریان در جاهای دیگر هم واقع شود و در نتیجه قسمت زیادی از قرآن از بین برود، به نظر من تو به جمع کردن قرآن امر کن. به

عمر گفتیم: چگونه کاری که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) نکرد ما انجام دهیم؟! عمر گفت: به خدا! این کار خیر است. آن گاه پیوسته در این باره با من گفتگو کرد تا این که خداوند سینه‌ام را برای این اقدام باز فرمود، و من نیز رأی و نظر عمر را یافتم. زید می‌گوید: ابوبکر خطاب به من گفت: تو جوان عاقلی هستی اتهامی نزد ما نداری، وحی را هم در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌نوشتی، پس قرآن را جستجو کن و آن را جمع‌آوری نما. به خدا قسم اگر به من تکلیف می‌کردند که کوهی را جابه‌جا کنم از این سنگین‌تر نبود که به من جمع‌آوری قرآن را امر کرد؛ گفتیم: چگونه کاری که پیغمبر (صلی الله علیه وآله) نکرده بود انجام می‌دهید! گفت: این کار به خدا قسم خیر است. پس پیوسته ابوبکر در این باره با من سخن گفت تا این که خداوند سینه مرا مانند سینه ابوبکر و عمر برای این کار فراخ گردانید. آن گاه به جستجوی قرآن پرداختم و آن را از نوشته‌های بر چوب‌های درخت خرما (عسب) و سنگ‌های نازک (الخفاف) و سینه مردها جمع‌آوری نمودم، از (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ...) تا آخر برآئت. پس این نوشته‌ها نزد ابوبکر بود تا این که خداوند مرگش را رسانید، سپس تا عمر زنده بود نزد او بود، و سپس نزد حفصه دختر عمر.<sup>۳</sup> (بخاری، ۱۴۰۱، ۶: ۹۸)

۴-۱. ابن اشته در کتاب المصاحف آورده است: «اولین کسی که قرآن را در مصحفی جمع کرد، سالم بن حذیفه بود. قسم خورد که ردا نپوشد تا این که آن را جمع کند. پس آن را جمع کرد. آن گاه با هم مشورت کردند که آن را چه بنامند؟ بعضی گفتند: سفر بنامید. گفت: آن اسمی است که یهود آن را بر کتاب خود نهاده اند. پس این اسم ناخوشایند آمد. آنگاه گفت: همانندش را در حبشه دیدم، مصحف نامیده می‌شد. پس نظرشان بر این جمع شد که آن را مصحف بنامند.»<sup>۴</sup> (سیوطی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۰۹)

۵-۱. عمر درباره آیه‌ای از قرآن سؤال کرد، در پاسخ وی گفتند: «که این آیه در نزد فلان قاری بود که در جنگ یمامه کشته شد». عمر بن خطاب با احساس خطر از این که شاید قرآن با از بین رفتن حافظان آن به تدریج از بین برود، کلمه استرجاع "إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" را بر زبان آورد و دستور داد که هر چه زودتر قرآن را جمع‌آوری کنند. او اولین کسی بود که قرآن را در مصحف جمع نمود. (عسقلانی، بی‌تا، ۹: ۸)

## ۲. نقد متنی روایات

برای تحلیل و نقد محتوایی روایات، برای همه مسلمانان معیارهای مورد اعتمادی وجود دارد که عبارتند از:

### ۱-۲. قرآن

بی‌شک، عرضه روایات به قرآن، معتبرترین معیاری است که می‌توان برای شناخت روایات صحیح از سقیم مورد استفاده قرار داد. آیات و شواهد قرآنی در این باره به چند دسته تقسیم می‌شود.

#### ۱-۱-۲. ابزارهای نگارش در قرآن کریم

بر اساس آیات، ابزارهای متداول نگارش در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) عبارتند از:

#### ۱-۱-۱-۲. قرطاس:

به معنای کاغذ، (راغب، ۱۴۱۲، ۱: ۶۶) که به عنوان نمونه در آیه "وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ" ، (انعام/۷) اشاره است.

۲-۱-۱-۲. قلم:

طبق آیه "الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ" (علق/۴) خدای متعال قرائت و کتابت را به وسیله قلم یاد داد. یا به عبارتی، خداوند از طریق قلم و کتابت همه علوم را به بشر آموخت. (مکارم، ۱۴۲۱، ۲: ۳۲۱) پس چگونه امکان دارد، فرستاده خدا مهم ترین منبع هدایت را، در زمان حیاتش به بشر از طریق قلم و کتابت آموزش ندهد، در صورتی که نص آیه دلالت بر آموزش مبتنی بر کتابت دارد.

۳-۱-۱-۲. مداد:

"قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا" (انعام/۱۰۹) از آیه برداشت می شود، مسلمانان از این ابزارها برای نگارش و کتابت قرآن کریم استفاده می کردند و آیه برای تقریب اذهان، جهت فهم مقام والا و غیر قابل تصور مفاهیم الهی این ابزارها را مثال زده است.

۴-۱-۱-۲. صحف

به معنای برگ هایی از کاغذ است که روی آن نوشته شده باشد. برگی که دور و مکتوب باشد. (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۷۸) این واژه در هشت مورد آیات قرآن به کار رفته است: به عنوان مثال آیه "رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً" (بینه/۲) در تفسیر آیه آمده: «صحیفه هایی که در آن نوشته های درست و موزون و ثابت و پرارزش باشد». (مکارم، ۱۳۷۴، ۲۷:

۱۹۹)

۵-۱-۱-۲. سِجِلٌّ

به معنای پیمان نامه و کتابی است که قاضی، دعاوی و احکام را در آن می نویسد که آن اسناد و معاملات و نامه دان است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۵: ۳۹۳) این واژه یک بار در قرآن، آن هم تنها به صورت مفرد در آیه "يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ" (انبیا/۱۰۴) آمده است.

۶-۱-۱-۲. رَقٌّ

پوست نازک و ظریفی است که روی آن می نویسند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰: ۱۲۲) که در آیه "فِي رَقٍّ مَنشُورٍ" (طور/۳) آمده است.

از مجموع آیات چنین برداشت می شود که نگارش امری رایج و ابزارهای آن در بین مردم متداول بوده است. پس کتابت مسأله تازه ای نبوده که در زمان خلافت خلفا شیوع پیدا کند و چون سابقه ای در این زمینه وجود نداشت، افراد از انجام آن واهمه داشته باشند یا حتی طبق متن روایات با کشته شدن قراء و حفاظ در جنگ یمامه به فکر جمع قرآن بیفتند. به این ترتیب، هرچند از این آیات، جمع و تدوین قرآن کریم استنباط نمی شود، ولی همین قدر که قسمتی از روایات را -که حاکی از عدم نگارش قرآن در زمان رسول اند- مخدوش نمایند، حائز اهمیت هستند.

## ۲-۱-۲. واژه کتاب در قرآن

واژه کتاب از ماده "ک ت ب"، بارها در قرآن کریم به کار رفته است. در معنای این ماده بین اهل لغت دیدگاه‌هایی وجود دارد که در دو دسته قرار جای می‌گیرد. نخست این‌که: «ماده "کتاب" به معنای جمع و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است». (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵: ۱۵۸) اطلاق کتاب بر نوشتن و "کتیبه" بر نوشته، از این باب است که در نوشتن و نوشته حروف با هم جمع می‌شوند و درکنار هم قرار می‌گیرند. دوم این‌که ماده "کتاب" در اصل به معنای نوشتن و کتاب، صحیفه‌ای است که در آن نوشته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۶۹۸)

در نتیجه، معنای اصلی ماده کتب و ساختارهای صرفی آن، همان نوشتن است. درباره نظر کسانی که معنای اصلی (کتب) را انضمام چیزی به چیزی دیگر می‌دانند، این نکته قابل توجه است که به طور قطع، ماده کتب بر هر جمعی قابل صدق نیست؛ زیرا به جمع هر سنگ و چوبی کتاب نگفته‌اند. به عنوان مثال: "کتابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ"؛ (فصلت/۳) "کتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده است، فصیح و گویا برای جمعیتی که آگاهند". مرحوم طبرسی در تفسیر آیه آورده است: «تفصیل آیات به معنای نظم آن است که بهترین شکل منظم شده است». (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۲: ۹)

قرآن کریم در آیات بسیاری "کتاب" نامیده شده و از این نامگذاری چنین بر می‌آید که قرآن جمع آوری شده بود؛ زیرا قرآنی که در سینه‌ها بود و یاد در لوح‌های پراکنده، تخته پاره‌ها و استخوان‌های متفرق نوشته شده باشد، کتاب نامیده نمی‌شود و معمولاً کتاب مجموعه‌ای را گویند که دارای وجود واحد مشخص بوده، صورت مدونی داشته باشد. نوشته‌های پراکنده و قطعه قطعه، کتاب نامیده نمی‌شود تا چه رسد به آن‌که اصلاً نوشته نشده، جای آن در سینه‌ها باشد.

## ۳-۱-۲. آیات تحدی

در آیات تحدی، مشرکان و آنان که قرآن کریم را به عنوان کتاب آسمانی نمی‌دانستند، خواسته شده تا مانند آن ده سوره یا حداقل یک سوره بیاورند و چون نتوانستند بیاورند، باید بفهمند که قرآن کریم معجزه و کلام الهی است؛ به عنوان مثال: "قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا" (اسراء، ۸۸).

در تفسیر کشف نیز ذیل این بخش از آیه "أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ" آمده است: «منظور، نظیر این قرآن، در بلاغت، حسن نظم و تألیف آن است». (زمخشری، ۱۴۰۷، ۲: ۶۹۲)

بنابراین، تحدی تنها به صورت آوردن نظیر قرآن به صورت شفاهی نیست، بلکه یکی از موارد، تحدی به نظم و تألیف قرآن است. به این ترتیب، قرآن تا آن موقع، آن مقدار که نازل شده بود، به صورت منظم در یک مجموعه در دسترس مشرکان بوده، تا این مبارزه طلبی درست باشد و گرنه می‌گفتند ما چیزی نداریم که بتوانیم روی آن فکر کنیم و مانند آن را بیاوریم. تعبیر "هذا القرآن" در آیات مؤید این مطلب است.

## ۴-۱-۲. اظهارات مشرکان

در تفسیر آیه "وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا". (فرقان/۵) آمده است: کلمه "اكتتاب" یعنی کتابت و نوشتن، و نسبت دادن نوشتن به حضرت، با اینکه می دانستند آن حضرت، نوشتن نمی داند، یا از باب مجاز است و یا از باب اینکه به درخواست ایشان، دیگران می نوشتند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۲۴۶) مجمع البیان ذیل آیه می نویسد: «اصل اکتتاب به معنای استکتاب است؛ یعنی این که از کسی بخواهد برایش بنویسد». (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۷: ۱۸۴)

روایت هایی که جمع قرآن را به خلفا نسبت داده اند با این آیه در تضاد هستند؛ زیرا طبق آیه، نوشته هایی موجود بوده و مشرکان آن را در اختیار داشتند تا بتوانند بگویند پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرآن را از روی افسانه های گذشتگان نوشته است. نکته قابل توجه اینکه، وقتی مشرکان آیات مکتوب را در اختیار داشتند، چگونه مسلمانان آنها را در اختیار نداشتند که با کشته شدن حافظان بیم از بین رفتن قرآن وجود داشته باشد.

بنابراین از اشاره ها و نکته های موجود در خود قرآن این چنین برداشت می شود که مسئله نگارش و کتابت قرآن، امری نو ظهور نبوده که خلفا از انجام آن ترس داشته باشند. بلکه طبق مضمون آیات، در عصر نزول، ابزار نگارش در دسترس بوده تا جایی که مشرکان آیات قرآن را افسانه های پیشینیان می پنداشتند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور رونوشت از آنها را داده بود.

## ۲ - ۲. سنت

برای بررسی روایات جمع قرآن در زمان خلفا، معیار دیگری که می توان آن را به کار گرفت، سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. (روایت هایی که حکایت از جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارند، از منابع روایی اهل سنت استخراج شده، تا هم شاهد مثال برای تضعیف روایت های جمع قرآن در زمان خلفا باشند و هم تناقض های موجود در کتب روایی مهم و مورد اعتماد اهل سنت، در این موضوع از علوم قرآنی روشن گردد). مهم ترین و بارزترین موارد موارد سنت نبوی در این رابطه بر اساس منابع روایی اهل سنت عبارتند از:

### ۱ - ۲ - ۲. نظم و ترتیب آیات و سوره ها

با توجه به اسناد و مدارک جمع قرآن، در برابر روایاتی که می گوید جمع قرآن، پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده، اخباری وجود دارد که روشن می شود قرآن در عهد پیامبر (صلی الله علیه و آله) جمع گردیده و آیه ها و سوره های آن منظم و مرتب شده است. یعقوبی در کتاب تاریخ خود وزرکشی در کتاب البرهان چنین نقل کرده اند: «هرگاه بر رسول خدا آیه و سوره ای نازل می شد، می فرمودند که آنها را بنویسند و در مورد آیه های پراکنده نیز می فرمودند که این آیه را در فلان سوره قرار دهید». (یعقوبی، بی تا، ۲: ۴۳؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۳۲۵) خازن نیز در تفسیر لباب التأویل نقل می کند: «جبرئیل همواره می گفت این آیه را در این جا یا در آن جا بگذارید». (بغدادی، ۱۴۱۵، ۱: ۸)

هرچند این اخبار در مورد ترتیب آیات است، اما نکته مهم این اخبار، اهتمام پیامبر (صلی الله علیه وآله) به گردآوری قرآن است. اگر این اخبار در کنار روایات فراوانی که حکایت از اهتمام پیامبر (صلی الله علیه وآله) به کتابت و گردآوری قرآن می‌کنند قرار گیرد می‌توان چنین استنباط نمود که جمع و ترتیب، در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده است.

بنابراین، نظم آیه‌های قرآن با اشراف حضرت انجام گرفته است زیرا وقتی قرآن به صورت نوشتار در آید، نظم کلمه‌ها و جمله‌ها را می‌طلبد؛ بدون نظم و ترتیب کلمه‌ها و جمله‌ها، نوشتار صورت نمی‌گیرد.

## ۲-۲-۲. عرضه قرآن بر رسول

اسناد موجود نشان می‌دهند که بسیاری از صحابه، قرآن را بر حضرت عرضه می‌کردند؛ به عنوان نمونه: ابی بن کعب، قرائت قرآن را بر طبق ترتیب موجود - که آغاز آن سوره "فاتحه" بود و به ترتیب تا سوره "ناس" به پایان می‌رسید - به پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرضه داشت. (ذهبی، ۱۴۱۹، ۱: ۱۶) همچنین مشهور است: زید بن ثابت آخرین عرضه قرآن را شاهد بود - که در این عرضه، موارد منسوخ مشخص شده بود - و قرآن را می‌نوشت و بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرضه داشت. (بغدادی، ۱۴۱۵، ۸: ۱۳۴)

از این روایات استفاده می‌شود که این گروه، قرآنی را که گردآوری کرده بودند، بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرضه کردند تا مبدا در آن اشکالاتی به وجود آمده باشد، غلط ثبت شده، یا در ترتیب آن اشتباهی رخ داده باشد. توجه نویسندگان وحی نسبت به صحت کتابت و گردآوری چنان بوده است که همواره قرآن را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) عرضه می‌کردند و اشتباهی می‌دیدند، بر طرف می‌کردند. به همین دلیل، ابن حجر در فتح الباری می‌نویسد: «همه قرآن در زمان رسول (صلی الله علیه وآله) نوشته و جمع گردید». (عسقلانی، بی تا، ۹: ۱۰)

زمانی که تعدادی از صحابه از جمله خود زید بن ثابت شاهد آخرین عرضه قرآن بوده و طبق روایات، قرآن را نوشته و بر حضرت قرائت کرده اند. پس دلیلی ندارد که با گرفتن دو شاهد، قرآن را از روی نوشته‌های پراکنده و سینه - های حفاظ جمع نماید. از طرف دیگر، عرضه قرآن بر رسول (صلی الله علیه وآله) دلالت بر نظم و ترتیب آیات و سور قرآنی دارد؛ زیرا عرضه یک کتاب و مطلب باید به صورت مرتب و منظم باشد؛ نه اینکه پراکنده و متفرق باشد.

## ۳-۲-۲. تألیف قرآن

از دلایل اعتقاد بر جمع قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت مشهوری از زید بن ثابت نقل شده است: «عن زید بن ثابت کنا عند رسول الله (صلی الله علیه وآله) نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ»؛ «در نزد رسول الله (صلی الله علیه وآله) که بودیم قرآن را از پوست‌ها جمع‌آوری می‌کردیم». (زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۳۳۱)

این نقل، دلیل روشنی است بر آن که قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) تدوین شده است؛ زیرا واژه نُؤَلِّفُ از نظر لغت‌شناسان از ریشه "الف" و به معنای تنظیم و مرتب کردن گرفته شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹: ۱۰)

در همین زمینه مرحوم طبرسی از سید مرتضی نقل می‌کند: «تألیف قرآن در عهد پیامبر (صلی الله علیه وآله) انجام گرفت به همین شکل - که اکنون در اختیار ماست - و ترتیب به همان ترتیب موجود است». (طبرسی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۷)



طبق این گزارش‌ها، علاوه بر این‌که قرآن در زمان رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نگارش شده، بلکه این نگارش طبق واژه "تألیف" به صورت منظم و مرتب بوده است. این مطلب بر تمامی روایت‌ها و اقوالی که حاکی از پراکنده ماندن آیات قرآن تا پس از رحلت هستند، خط بطلان می‌کشد.

#### ۴ - ۲ - ۲. تقسیم بندی قرآن

در مجامع حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده که قرآن بر چهار مجموعه تقسیم شده است، چهار مجموعه‌ای که هم اکنون در ترتیب مصحف رعایت شده است: «خداوند به من هفت سوره طولانی (طوال) به جای تورات و سوره‌های (مثنین) به جای انجیل و سوره‌های دو گانه کمتر از صد آیه (مثنائی) به جای زبور و سوره‌های کوتاه و پی‌درپی (مفصلات) به جای دیگر کتاب‌های انبیاء عطا کرده است». (هندی، ۱۴۰۹، ۱: ۵۷۲)

از این روایت و روایت‌های شبیه به این، چنین بر داشت می‌شود که اگر قرآن در عهد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نظم و ترتیبی مشخص به مانند یک کتاب منسجم نداشته، حضرت این فصل بندی و تقسیم را بیان نمی‌کردند. پس پراکنده بودن قرآن در زمان خلفا با این دلیل روایی نیز هم‌خوانی ندارد.

#### ۵ - ۲ - ۲. قرائت از روی مصحف

از جمله ادله روایی که پایه‌های روایات جمع قرآن در زمان خلفا را متزلزل می‌سازد، روایاتی است که بر قرائت از روی مصحف دلالت دارند. قابل توجه است که واژه مصحف نزد لغت دانان زبان عربی به مکتوباتی گفته می‌شود که در بین دفتین قرار گرفته باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹: ۱۸۶)

در روایتی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده: «فضیلت تلاوت از روی مصحف بر تلاوت از حفظ، مانند فضیلت واجبات است بر نوافل». (هندی، ۱۴۰۹، ۱: ۴۵۹)

این روایت دلیل روشنی بر مجموعه‌های تألیفی قرآن، قبل از شهادت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. اگر در آن زمان جمع و تدوینی نبود، معنا نداشت که در مورد نظر به مصحف سخن گفته شود. این‌که در برخی گزارش‌ها در عهد خلفا آمده که نامگذاری به مصحف در عهد خلفا، پس از جمع‌آوری آنها بوده، با این روایت متعارض است و نشان می‌دهد که مسأله نامگذاری و جمع قرآن در عهد خلفا در یک سنخ کاملاً ساختگی است.

#### ۶ - ۲ - ۲. احکام مصحف‌ها

دسته‌ای از احادیث بیان‌گر این است که در عصر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مصحف‌های متعددی (ناقص یا کامل) نزد صحابه وجود داشته است و آنان مصحف‌های مذکور را قرائت کرده و در اختیار دیگران نیز قرار می‌دادند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز احکامی در مورد آنها مقرر نموده‌اند. از این عباس روایت شده: «صحیفه‌ها و نسخه‌های قرآن خرید و فروش نمی‌شد؛ بلکه افراد، کاغذ را نزد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آوردند و اشخاص به نوبت و برای تقرب جستن به

خداوند، قرآن را می‌نوشتند تا تمام می‌شد». (بیهقی، ۱۳۵۵ق، ۶: ۱۶) نیز در نامه‌ای که حضرت برای اهل یمن نوشتند و در آن مستحبات، واجبات و دیات را ذکر فرمودند، آمده: «کسی قرآن را بدون وضو مس نکند». (همان، ۱: ۳۰۹)

این احادیث بیان‌گر توجه حضرت به تدوین و همچنین ارسال مصحف‌ها به سرزمین‌های مختلف هستند و نیز دلالت دارند بر این که نسخه‌هایی از قرآن موجود بوده که حضرت بر این نسخه‌ها احکامی را جاری نمودند.

#### ۷-۲-۲. محل مصحف در مسجد النبی

در میان نقل‌های اهل سنت، آمده است که در صدر اسلام، قرآن را در بین دیوار و منبر می‌گذاشتند و افرادی از روی آن می‌نوشتند. یزید بن عبیده در این باره گوید: «همراه سلمة بن الاکوع به مسجد می‌رفتم و او نزد ستونی که قرآن را در آنجا می‌گذاشتند، نماز می‌خواند». (نیشابوری، بی‌تا، ۲: ۵۹)

همچنین در نقل دیگری آمده: «در مسجد نبی، مکانی مشخص شده وجود داشت که آن را "مکان المصحف" می‌نامیدند». (همان)

این نقل‌ها گویای دو مطلب اند: یکی، رواج کتابت قرآن در زمان رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله)، و دیگری، قرار داشتن مصحف پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) در بین عموم مردم و در یک مکان عمومی. اگر تمام قاریان و حافظان هم کشته می‌شدند، بابت از بین رفتن قرآن نگرانی وجود نداشت؛ زیرا قرآن به صورت مصحف و در مکان عمومی در اختیار عامه مردم قرار داشت.

#### ۸-۲-۲. نظارت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) بر نگارش

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) خود بر کتابت قرآن، نظارت داشتند و حتی رسم الخط حروف را خود مشخص می‌کردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹: ۲۴) همچنین، از کاتبان می‌خواستند تا پس از تحریر، نزد حضرت باز خوانی کنند تا اطمینان حاصل شود که همان طور که خواسته‌اند، مکتوب شود. (هیثمی، ۱۴۰۸، ۱: ۱۵۲)

از زیدبن ثابت روایت شده: «من همواره وحی را برای رسول خدا می‌نوشتم و چنین بود که وقتی وحی نازل می‌شد، آن را در شرایط شدید دریافت می‌داشت. سپس من وسیله‌ای آورده و در حالی حضرت املا می‌کردند، من می‌نوشتم. هنگامی که از نوشتن فارغ می‌شدم، حضرت می‌فرمود: بخوان! من می‌خواندم، چنانچه مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می‌کرد، آن‌گاه در اختیار مردم قرار می‌گرفت». (همان)

بر اساس این دسته از روایات، نگارش قرآن برای پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) امری مهم بوده که خود بر آن نظارت داشته تا نوشته‌های قرآن از هرگونه خطا و اختلاف مصون بماند.

#### ۹-۲-۲. لفظ کتاب

در حدیث معروف ثقلین به آنچه از پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) باقی مانده کتاب اطلاق شده؛ می‌فرماید: «من در بین شما دو چیز باقی گذاشتم، کتاب خدا و عترتم (اهل بیت)». (حنبل، بی‌تا، ۴: ۳۶۷) این حدیث به روشنی، جمع قرآن در زمان پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) را ثابت می‌کند.

اگر گفته شود معنای احادیث جمع قرآن در زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، این است که قرآن در سینه ها جمع شده است، به طور مسلم سخن نادرستی است، زیرا اگر این احادیث از کتابت منظم قرآن در عهد حضرت گواهی ندهد، لااقل گواه بر آن است که قرآن از نظر سوره ها و آیات هر سوره در زمان حضرت تنظیم شده است، هر چند مجموع آن روی کاغذ نیامده بود.

پس کتابت و نگارش قرآن، منظم و مرتب شدن سوره ها و آیات، در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) انجام شده است، که به تبع آن در مجموع، کتابت و نگارش قرآن با نظم و ترتیب و به دور از هر گونه اختلاف و پراکندگی در همان زمان بوده است.

بر این اساس، شواهد قرآنی و روایی بر هرگونه روایت و نظریه ای که معتقد بر جمع و تدوین قرآن کریم، پس از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) و توسط خلفاست، خط بطلان می کشد.

### ۳-۲. عقل

معیار دیگری که می تواند در نقد روایات جمع قرآن کارایی بسیار مهمی داشته باشد، عقل است. روایات جمع قرآن پس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) با دلیل عقلی ناسازگارند؛ دلیلی که ثابت می کند ممکن نیست حضرت با آن اهمی که به مسأله قرآن و حفظ آن داشتند، نسبت به تنظیم و ترتیب آن بی توجه باشند و به نسل های بعد از خود بسپارند؛ زیرا محفوظ ماندن هر کتابی به مراقبت خود مؤلف باز می گردد؛ به ویژه اگر این کتاب، سرنوشت ساز باشد، همچنین انحراف و دست خوردگی و مسائل دیگر در کتاب های آسمانی پیشین تجربه شده باشد؛ رنج تحریف در خود کتاب و خاطر مخاطبان؛ یعنی مسلمانان بازگو شده باشد و مهمتر از همه آن که این کتاب، معجزه برتر پیامبر خاتم (صلی الله علیه وآله) باشد که پس از او دست بشر تا همیشه از دامن وحی جدید منقطع خواهد شد. پس ممکن نیست شخصی چون پیامبر (صلی الله علیه وآله) مسأله تألیف را به دیگران واگذار کرده باشند و در حیات خود، در این کار مهم اهمال کرده باشند. مقدمات این دلیل عبارتند از:

الف. خداوند حکیم که تمام کارهایش از روی حکمت و هدفدار است و هیچ کاری را بیهوده انجام نمی دهد، قرآن کریم را به عنوان کتاب جامع دین و شریعت اسلام برای هدفی نازل کرده است. هدف این است که بشر از زمان نزول تا قیامت، برنامه زندگی خود را بر اساس آن تنظیم کند و زمینه سعادت ابدی را برای خویش فراهم سازند.

ب. به اقتضای حکمت پروردگار و تحقق هدف مذکور باید قرآن کریم، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی در همه اعصار و قرون، نسل در نسل در اختیار مردم قرارگیرد و این جز با هدایت ها و تدبیرهای لازم خداوند و فرستاده اش در جمع و حفظ آن و پیشگیری از تحریف نمی تواند باشد: "لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ"، "باطل نه در حال و نه در آینده به آن راه نمی یابد. آن از سوی [خدای] حکیم و ستوده نازل شده است." (فصلت / ۴۲)

آیه بیانگر این حقیقت است که چون قرآن کریم از سوی خدای حکیم نازل شده است، رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز به عنوان فرستاده خداوند، می داند که قرآن کریم باید تا قیامت، بدون هرگونه کاستی یا زیادتی باقی بماند، زیرا بعد

از او پیامبری دیگر نخواهد آمد. بنابراین، ضروری است که برای حفظ قرآن کریم تدبیری درست بیاندیشد. ایشان بهتر از هر سیاستمداری می دانست که در آن اوضاع و احوال سیاسی که منافقان، مشرکان، دولتهای بزرگ و پیروانی از ادیان دیگر می خواستند به هر صورت ممکن قرآن کریم را - که اساس اسلام است - از بین ببرند و اینکه پراکنده گذاشتن آن، زمینه مناسبی برای دشمنان اسلام است که با تحریف قرآن اعتبار و حجیت آن را مخدوش سازند.

#### ۴ - ۲. اجماع

از جمله معیارهایی که گاه برای نقد روایات از آن استفاده می شود، معیار اجماع است؛ اعم از اجماع مسلمانان یا اجماع امامیه، که در هر صورت دارای اعتبار است. یکی از اشکالهای وارد شده به روایات تدوین قرآن در دوران خلفا، این است که اگر پذیرفته شود این روایات صحیح و مورد اعتماد است، باید اجماع مسلمانان در پذیرفتن قرآن با تواتر نفی شود؛ زیرا این روایات می گویند که زید بن ثابت یا عمر بن خطاب اعلام کردند که تنها با شهادت دادن دو نفر و حتی یک نفر آیه ای را ثبت کنند.

آیت الله خویی در تقریر این اشکال در کتاب البیان می نویسد: «مسلمانان برای اثبات قرآن، راهی جز تواتر و نقل - های فراوان و یقین آورنی دانند، در صورتی که روایات تدوین، دلالت می کنند که هنگام جمع آوری قرآن، تنهامدرک و مرجعی که برای اثبات قرآن بودن یک سخن در اختیار بود و توسط آن، آیات قرآن از غیر آیات قرآن تشخیص داده می شد، شهادت دو نفر مسلمان و گاهی یک نفر که شهادت او مطابق با شهادت دو نفر باشد، بود. لازمه سخن این است که قرآن با خبر واحد ثابت و نوشته شده است، نه از طریق تواتر». (خویی، ۱۳۸۲: ۳۲۴)

این اشکال چنان واضح است که بسیاری از محدثان و مورخان را به تکاپو وا داشته و برای دفع آن به راههایی متوسل شده اند. ابوشامه در المرشد/الوجیز، این گونه توجیح می کند: منظورشان این بوده که ثابت شود مکتوبات عرضه شده، آن چیزی است که مطابقت با نوشته هایی می کند که در خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) نوشته شده، نه این که شهادت بر حفظ باشد. (مقدسی، ۱۴۲۴، ص ۶۰)

سیوطی که خود این احتمالات را در معنای روایات نقل شده ذکر می کند، احتمال دیگری طرح می کند و می گوید: «شاید منظور آن باشد که شهادت بدهند که این نوشته ها مطابق با آخرین عرضه بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) در سال وفات حضرتش بوده است». (سیوطی، ۱۴۲۱، ۱: ۲۱۰)

آنچه ایشان و دیگران می گویند، از روایات استنباط نمی شود و اگر این معنا باشد، با اجماع مسلمانان در ثابت شدن قرآن با تواتر منافات ندارد. این که قرآن با تواتر ثابت شده، محل بحث نیست. محل بحث، محتوای این روایات است که می گویند قرآنی را گردآوری کردند که روش آنها با شهادت عدلین بود. ممکن است نسخه ای که زید میان دو جلد قرار داده، همان مکتوباتی باشد که با تواتر ثابت شده، اما اشکال بر سر این روایات و محتوای آن است که چنین چیزی را نمی گویند.

#### ۵ - ۲. اضطراب

اضطراب در متن جایی است که متن روایت به صورت‌های مختلف و غیر قابل جمع نقل شده باشد. (نصیری، ۱۳۹۰ ص ۶۶۵) متن روایت‌های جمع آوری قرآن کریم، پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و در زمان خلفا، تناقض‌های آشکاری با هم دارند که عبارتند از:

## ۵ - ۲. طراح نخستین

طبق روایت دوم، ایده جمع قرآن برای نخستین بار توسط ابوبکر مطرح شد. او تیمی را برای این کار تشکیل داد و به عمر و زید دستور داد که بر در مسجد بنشینند. این در حالی است که بنا بر روایت سوم و پنجم این اقدام به پیشنهاد عمر صورت گرفت.

## ۲ - ۵ - ۲. جمع کننده نخستین

بر اساس روایت‌های اول تا سوم، نخستین کسی که قرآن را جمع کرد، ابوبکر بود. درحالی که در روایت چهارم، سالم مولی ابی حذیفه، و در روایت پنجم، عمر نخستین جمع کننده قرآن معرفی شدند. آیت‌الله خوبی معتقد است: «که تناقض درونی این روایات، باعث سلب اعتماد به آنها می‌شود». (خوبی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۶-۲۴۷)

پس اضطراب درونی این روایات، زمینه نقد روایات جمع قرآن را فراهم آورده است؛ هرچند آیت‌الله معرفت بیان می‌کند: «تناقض و اضطراب روایات جمع قرآن، بدوی است و با نگاه عمیق تر به این روایات، می‌توان میان آنها راجع کرد». (معرفت، ۱۳۸۲، ۱: ۲۸۵)

در نقد ایشان - که اختلاف بین روایات جمع قرآن را قابل جمع دانسته اند- باید توجه داشت که اختلافات بین روایات جمع قرآن، اختلافاتی اساسی و قابل جمع نیستند، زیرا هریک از این روایت‌ها به دنبال بزرگ نمایی فرد مورد نظر خود هستند و به احتمال زیاد منشأ فرقه‌ای و کلامی دارد که از قرن دوم به بعد آغاز شد. برای روشن تر شدن مطلب، به قرائن محکم تری نیاز است.

## ۶ - ۲. تاریخ

یکی از معیارهایی که از سوی صاحب نظران فریقین برای نقد روایات به کار رفته، معیار تاریخی است. به جرأت می‌توان گفت این معیار در زمینه روایات جمع قرآن کریم از معیارهای اساسی است؛ زیرا این روایات، حایز مباحث تاریخی هستند؛ به عنوان نمونه، هیچ فردی نمی‌تواند در این واقعیت تردید کند که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نویسندگانی داشته است که وحی را می‌نوشتند و آنان را شخص رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بدین منظور مشخص می‌فرمود. مورخان نیز نام نویسندگان را به صراحت یاد کرده‌اند. در کتاب‌های تاریخی، نصوص زیادی در اختیار است که بر این واقعیت دلالت دارد. به عنوان مثال در کتب اهل سنت آمده: عمر با آشفتگی به سوی خواهرش و شوهر او رفت که ناگاه دریافت خباب بن ارت از روی نسخه‌ای سوره طه را به آنها آموزش می‌دهد. آنها با آگاهی یافتن از آمدن عمر، خباب را در صندوق خانه پنهان کردند و نسخه را نیز مخفی ساختند عمر به آنها گفت: آنچه را می‌خواندید، به من بدهید تا ببینم

محمد چه آورده است. خواهرش آن را به او داد و او آن را خواند و از فصاحت و بلاغت آن در شگفت شد. (ابن هشام، بی تا، ۱: ۳۷۰-۳۶۵)

بنابراین، روایت‌های جمع قرآن در زمان خلفا با واقعیت‌های مسلم تاریخی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) متعارض هستند. از طرفی اگر پذیرفته شود که ابوبکر قرآن را از منابع پراکنده گرد آورد و قبل از آن قرآن جمع‌آوری نشده بود، با توجه به این که ابوبکر تنها دو سال و دو ماه خلافت کرد و این مدت برای جمع قرآن که در دست آن همه اشخاص پراکنده بود، کوتاه به نظر می‌رسد؛ به ویژه اگر جنگ یمامه سبب واقعی دانسته شود، فرصت باقی مانده فقط پانزده ماه خواهد بود.

#### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، تعارض این روایات با یگدیگر آشکار است، به گونه‌ای که حتی افراد غیر متخصص در این زمینه - که برای نخستین بار، با این روایات مواجه می‌شوند - بدون تأمل به این تعارض پی می‌برند. با توجه به شواهد مورد اعتماد بین فریقین ثابت شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) توجه خاصی نسبت به جمع و تدوین قرآن داشتند و طبق آیات، امکانات و وسایل جمع هم وجود داشته است. با این اوصاف چگونه قابل تصور است که مسلمانان صدر اسلام، اعتنایی به جمع قرآن و حفظ آن ننموده باشند تا در نتیجه، خلفا به جمع‌آوری قرآن بپردازند؛ در هنگام جمع‌آوری قرآن، ثبت هر آیه‌ای را منوط به شهادت دو نفر بدانند! این احتمال، چنانچه گفته شد از نظر عقلی و بررسی تاریخی و اجماع مردود و غیر قابل اعتنا است. گذشته از دلایل عقلی و تاریخی، روایت‌های بسیاری در کتب اهل سنت مبنی بر جمع - آوری قرآن در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و رد روایت‌های جمع‌آوری به دست خلفا وجود دارد.

بنابراین! با توجه به تمام شواهد و قرائن گفته شده، می‌توان اینگونه استنباط کرد، که شواهدی اعم از شواهد قرآنی، روایی، عقلی، تاریخی و اجماع در صدد بیان این نکته هستند که روایات رسیده در خصوص جمع قرآن در معنای خاص و منحصر به فردی - که توسط خلفا ابداع شده باشد و در جامعه بازتاب فراگیر داشته باشد - نبوده است. عرضه روایات رسیده در این برهه زمانی بر شواهدی که قبلاً بدان اشاره شد، بیانگر این است که قطعیتی که اغلب محققان به آن معتقد هستند، قابل نقد و بررسی است و حتی در مواردی، بسیار ضعیف می‌باشد.

پی نوشت‌ها

۱. (juynbool)

۲. (Motzki)

۳. حدیث از نوع منقطع است، زیرا در سند این حدیث منظور از هشام؛ عروة بن زبیر است که هیچ گاه ابوبکر را ندیده است و نمی‌تواند از وی حدیث نقل کند؛ زیرا او در سال هیجده هجری متولد شده، در حالی که ابوبکر در سال سیزده هجری وفات کرده است. (عسقلانی، ۱۴۱۵، ۱: ۶۷۱)

۴. اسنادش به همان دلیل پیشین که گفته شد منقطع است. (عسقلانی، بی تا، ۹: ۱۲)

## منابع

### أ- کتابها

#### قرآن کریم.

۱. آبیاری، ابراهیم، (۱۴۱۱)، *تاریخ القرآن*، قاهره، دارالکتب المهدی.
۲. احمدی، حبیب الله، (۱۳۸۱)، *پژوهشی در علوم قرآن*، قم، فاطیما.
۳. ابنهشام، عبدالملک، (بی تا)، *السیرة النبویة*، القاهره، دارالتراث.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، دارصادر، بیروت.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، *معجم المقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامیه.
۶. احمدیان، عبد الله، (۱۳۸۲)، *قرآن شناسی*، تهران، نشر احسان.
۷. ایازی، محمد علی، (۱۳۷۸)، *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*، قم، کتاب مبین.
۸. بغدادی، علی بن محمد، (۱۴۱۵)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱)، *الصحيح*، بیروت، دارالفکر.
۱۰. بیهقی، احمد بن حسین، (۱۳۵۵ق)، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر.
۱۱. جعفری، یعقوب، (۱۳۸۲)، *سیری در علوم قرآن*، تهران، اسوه مکان.
۱۲. جلالی نائینی، محمد رضا، (۱۳۸۴)، *تاریخ جمع قرآن*، تهران، سخن مکان.
۱۳. حنبل، احمد، (بی تا)، *مسند*، بیروت، دارالفکر.
۱۴. حجتی، محمد باقر، (۱۳۷۲)، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. خوئی، ابو القاسم، (۱۳۸۲)، *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*، تهران، وزارت ارشاد.
۱۶. رامیار، محمود، (۱۳۶۹)، *تاریخ قرآن*، تهران، امیرکبیر.
۱۷. راغب اصفهانی، محمد حسین، (۱۴۱۲)، *المفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه.
۱۸. زرکشی، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۰)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۱۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۳۸۵)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۰. زنجانی، ابو عبد الله، (۱۴۰۴)، *تاریخ القرآن*، تهران، منظمة الاعلام الاسلامی.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۲. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات فراهانی.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

۲۵. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۰)، *حقائق الهامة حول القرآن الکریم*، بی جا، نشر اسلامی.
۲۶. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی (۱۴۱۵)، *تقریب التهذیب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی، (بی تا)، *فتح الباری*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۹. مکارم، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱)، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید.
۳۱. میرمحمدی زرنندی، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، *تاریخ و علوم قرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۲. نصیری، علی، (۱۳۹۰)، *روش شناسی نقد حدیث*، قم، وحی و خرد.
۳۳. الهندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۴. هیثمی، ابن حجر احمد بن محمد، (۱۴۰۸)، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر.

ب- نرم افزارها

۱. جامع التفاسیر

۲. جامع الأحادیث

۳. مشکات الانوار